

نصوص دينية توهم بعضهم تعارضها مع التطور:

برخی متون دینی که به گمان عده ای با تکامل تعارض دارد :

مثل عيسى:

مَثَلُ حَضْرَتِ عِيسَى :

﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (آل عمران: ٥٩):

﴿همانا مثل عيسى نزد خدا مانند آدم است بیافریدش از خاک پس بدو گفت بشو پس شد﴾ (آل عمران: ٥٩) ﴿﴾:

يتوهم بعضهم أن هذا النص كافٍ لنفي التطور لأنه يتعارض معه، لأنهم يفهمون النص بهذه الصورة: [إن الآية في مورد الرد على من قالوا: (إن عيسى خلق من غير أب فهو إله)، فمعنى الآية يكون أن آدم أيضاً خلق من غير أب أي من تراب. قال له الله كن فيكون فخلقه مباشرة من التراب، وهذا المعنى للآية يتعارض مع نظرية التطور؛ لأن ما يستفاد من نظرية التطور أن آدم خلق من أم وأب في حين أن معنى الآية أن آدم خلق من غير أب] انتهى.

برخی تصور می‌کنند که این آیه در تضاد با تکامل می‌باشد و سندی کافی بر رد این نظریه به‌شمار می‌رود ، و علت این استدلالشان آن است که فهم ایشان از آیه به این صورت می‌باشد: [این آیه ردیه‌ای است بر کسانی که می‌گفتند: (عیسی بدون پدر آفریده شد؛ پس او خدا است)، معنای آیه آن است که آدم نیز بدون پدر یعنی از خاک آفریده شده است. خدا به او گفت: موجود شو، پس موجود شد. بنابراین او را به طور مستقیم از خاک خلق نمود. این مفهوم آیه، با نظریه تکامل تعارض دارد، زیرا از نظریه تکامل چنین استنتاج می‌شود که آدم از پدر و مادر آفریده شده است، در حالی که آیه بر آفرینش آدم بدون پدر دلالت دارد] انتهای کلام.

المراد بالمماثلة أكيد ليس المطابقة، فحال آدم يختلف عن حال عيسى، فأدم لم يخلق من أم فقط كعيسى (عليه السلام)، إذن التماثل إجمالي وهذا يعني أن المراد بالآية أن خلق عيسى فيه تدخل إلهي كما أن آدم في خلقه تدخل إلهي، وفي هذه الحالة فحتى لو تنازلنا عن أي فهم آخر للآية وقلنا إنها تريد نفي ألوهية عيسى؛ لأنه ولد من أم فقط بضرب خلق آدم من تراب ومن غير أم وأب كمثل، فيكفي أن يكون المقصود خلق آدم من تراب في السماء الأولى وهو الخلق الأصلي والحقيقي لآدم (عليه السلام) بل والسابق على نزوله إلى الأرض، قال الإمام جعفر الصادق (عليه السلام): [كانت الملائكة تمر بآدم (عليه السلام) أي بصورته وهو ملقى في الجنة من طين فتقول لأمر ما خلقت] (١)، والله لم يُسمَّ حادثة نزول آدم للأرض خلقاً بل هبوطاً وهي حصلت بعد خلق آدم من الطين المرفوع إلى السماء الأولى ونفخ الروح فيه ﴿ قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَمَا يَأْتِيَكُمْ مِنْ يَدَيَّ فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴾ (البقرة: ٣٨) ، وبحسب هذا الفهم فلا تعارض بين النص القرآني المتقدم وبين نظرية التطور حيث يكون الجسم الذي اتصلت به

نفس آدم (علیه السلام) عند هبوطها للأرض جاء من أبوين بيولوجيين، وهذا يكفي لنقض الاستدلال بأن النص القرآني يتعارض مع نظرية التطور، فأقل ما يمكن أن يقال: إنه نص متشابه من هذه الجهة فكيف يصح الاستدلال به لإثبات تعارض النص الديني مع أمر علمي عليه أدلة علمية كثيرة جداً ومتراكمة إلى حد الاتخام وأصبح يدرس في جامعات العالم على أنه التفسير الوحيد لوجود الحياة المادية وتطورها على الأرض.

1. المصدر (الراوندي - قصص الأنبياء): ص 41.

مسلماً در یک تشبیه، تطابق کامل مورد نظر نیست ، آفرینش آدم متفاوت از آفرینش عیسی است؛ زیرا آدم بر خلاف حضرت عیسی (علیه السلام) که تنها مادر داشت، تنها از مادر آفریده نشد. پس در نتیجه اینجا تشابه اجمالی مورد نظر می‌باشد ، یعنی منظور آیه این است که در خلقت عیسی اراده و خواست الهی دخالت داشته، همان‌طور که در خلقت آدم نیز همین گونه بوده است ، حال اگر هر نوع تفسیر دیگری از آیه را کنار بگذاریم و مراد آن را نفی خداوندگاری عیسی بدانیم - چرا که عیسی تنها از مادر به وجود آمد، بر خلاف آدم که از نظر آنان بدون پدر و مادر و تنها از خاک آفریده شده است - در این صورت می‌توان مقصود آیه را به این صورت منحصر نمود که: آدم در آسمان اول از خاک آفریده شد و این، همان خلقت اصلی و حقیقی آدم (علیه السلام) است که پیش از نزول وی از آسمان، واقع شده است. امام جعفر صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: [فرشته‌ها در حالی که شکل حضرت آدم از گل ساخته شده و در بهشت قرار گرفته بود، از کنار آن عبور کرده و می‌گفتند این چیست و برای چه خلق شده؟] (۱)، خداوند واقعه نازل شدن آدم به زمین را هبوط نام نهاده است، نه آفرینش؛ و این واقعه پس از آن رخ داد که آدم از گل بالا برده شده (گل مرفوع) به سوی آسمان اول ، خلقت یافت و روح در او دمیده شد ، ﴿گفتیم فرود شوید از آن همگی هرگاه شما را راهنمایی از جانب من آید پس آنانکه پیروی کنند

راهنمائی مرا نه برایشان است ترسی و نه اندوهگین شوند ﴿البقرة: ۳۸﴾ ، و بر اساس این فهم و برداشت، تضادی بین آیه مزبور و نظریه تکامل وجود ندارد؛ زیرا جسمی که نفس آدم (علیه السلام) به هنگام هبوط به زمین به آن متصل شد از والدین بیولوژیکی او حاصل گشته ، و این دلیل برای مردود دانستن استدلالی که قرآن را معارض تکامل می‌داند، کافی است. حداقل چیزی که می‌توانیم بگوییم این است که آیه مزبور در این خصوص جزو متشابهات به‌شمار می‌رود. حال این سؤال پیش می‌آید که چگونه می‌توان برای اثبات تعارض متن دینی با یک پدیده علمی، سراغ متشابهات رفت؟! در حالی که این پدیده بسیار معتبر بوده و دلایل علمی متعددی برای تأیید آن ارائه شده است، به صورتی که اکنون در دانشگاه‌های جهان به‌عنوان یگانه تفسیر پیدایش حیات مادی و تکامل آن بر روی زمین تدریس می‌شود. (۱)- راوندی-قصص الأنبياء ، ص ۴۱.

بل حتى لو قلنا: إن المراد بالآية خلق جسم آدم من التراب في هذه الأرض فأيضاً النص لا يتعارض مع نظرية دارون؛ لأن الخلية الأولى التي تطورت إنما خلقت من الماء والعناصر الأخرى المتوفرة في التراب (الأرض)، فبالنتيجة جسم آدم (عليه السلام) خلق من تراب بحسب أصله، بمعنى أن خلية خلقت من الماء والعناصر الأرضية وترقت حتى كونت جسم آدم (عليه السلام) المادي فيصدق على آدم أنه أول إنسان خلق من تراب وليس من أب وأم آدميين؛ لأن أبويه ليسا من نوعه النفسي والروحي الإنساني. وبهذا تحقق معنى أن ولادة عيسى (عليه السلام) من أم فقط تماثل خلق آدم - الإنسان الأرضي الأول - من التراب ومن غير أم وأب دون وجه تعارض مع التطور.

بلکه حتی اگر بگوییم منظور آیه، خلقت جسم آدم از خاک این زمین است، باز هم تعارضی با نظریه داروین پیش نمی‌آید، زیرا سلول اولیه که

دستخوش تکامل شده، از آب و دیگر عناصر موجود در خاک (زمین) خلقت یافته است، در نتیجه جسم آدم (علیه السلام) با توجه به اصل و منشأ، از خاک آفریده شده است؛ به این معنا که سلول از آب و عناصر زمینی خلق شده، رشد و تکامل یافته تا جسم مادی آدم (علیه السلام) را پدید آورده است. پس این مطلب که آدم اولین انسانی است که از خاک آفریده شد و نه از پدر و مادر بشری، صحیح می‌باشد، زیرا والدین او از نوع نَفْسانی و روحانی وی، نبوده‌اند. بر اساس این نگرش، معنای ولادت عیسی (علیه السلام) از مادر، شبیه نحوه آفرینش آدم (به عنوان اولین انسان زمینی) از خاک و بدون داشتن پدر و مادر است و این، تعارضی با تکامل ندارد.

وللتوضیح أكثر نقول: إنَّ النصَّ الديني يسع القولين معاً أي إنَّ آدم خلق من أم وأب، وأيضاً إنَّ آدم خلق من تراب ولم يخلق من أم وأب؛ باعتبار أن خلقه الأول كان من تراب وفي السماء الأولى ولم يكن مولوداً من أم وأب. إضافة إلى أنه حتى جسمه الأرضي يمكن القول إنه لم يولد من أم وأب؛ لأنه ولد من أبوين ليسا من نوعه (النفسي)، وأيضاً يمكن أن نقول: إنه ولد من أنثى وذكر أو أم وأب باعتبار أن جسمه البيولوجي جاء من هذا الطريق.

برای توضیح بیشتر می‌توانیم بگوییم: متن دینی، دو موضوع را با هم و توأمان بیان می‌دارد: یکی اینکه آدم از پدر و مادر آفریده شده و دیگر اینکه آدم از خاک و نه از پدر و مادر خلق شده است؛ به اعتبار اینکه آفرینش اولیه او از خاک، در آسمان اول روی داده و از پدر و مادری متولد نشده است. علاوه بر این حتی در مورد جسم زمینی وی نیز می‌توانیم بگوییم که اولاً او از پدر و مادر متولد نشده زیرا آدم از والدینی که از لحاظ نفسانی از نوع او نبوده‌اند، تولد یافته است؛ ثانیاً می‌توانیم بگوییم وی از مذکر و

مونث یا پدر و مادر متولد شده به اعتبار اینکه جسم بیولوژیکی او از همین طریق به وجود آمده است.

بل حتی یمكن القول بأن المماثلة بين آدم وعيسى هو كونهما ولدا من أم كما يولد بقية البشر وبالطريق نفسه ولكنهما يختلفان عن بقية البشر من جهة أخرى، فعيسى ولد من أم فقط وبدون أب و آدم ولد من أم وكان له أب ولكنهما ليسا من نوعه النفسي والروحي الإنساني.

حتی می‌توان گفت تشبیه عیسی به آدم از این جهت است که این دو همانند دیگر انسان‌ها از مادر متولد شده‌اند، ولی از جهتی دیگر با بقیه انسان‌ها متفاوتند؛ زیرا عیسی فقط مادر داشته و پدر نداشته، و آدم با اینکه از مادر متولد شد و پدر نیز داشته است، ولی آنها از لحاظ نفسانی و روح انسانی از نوع خود او نبوده‌اند.
